

دوره دهم - سال چهارم

شماره چاپ: ۱۵۸۵

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۷/۸

شماره ثبت: ۶۵۸

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح رفع انحصار از زبان انگلیسی در
نظام آموزش همگانی»

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۶۶۹۶

آبان ماه ۱۳۹۸

معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	ارزیابی طرح
۱۳	بررسی سازوکارهای عملیاتی ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی
۱۸	جمع‌بندی و پیشنهاد
۲۱	منابع و مآخذ



اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی»

چکیده

طرح «رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزشی همگانی کشور» به شماره ثبت ۶۵۸ مورخ ۱۳۹۸/۷/۳ به صورت عادی اعلام وصول شد. این طرح با هدف تحقق مطالبات مقام معظم رهبری در خصوص ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی در نظام آموزش و پرورش، در پی آن است تا آموزش زبان انگلیسی و نیز سایر زبان‌های خارجی را با همکاری کشورهای خارجی طرف تفاهم به آموزشگاه‌های آزاد واگذار کند و هزینه ارائه آموزش‌ها را نیز خانواده‌ها پرداخت نمایند.

در این گزارش از دو وجه حقوقی و کارشناسی به‌ویژه در راستای ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی در نظام آموزش و پرورش به بررسی طرح مذکور پرداخته شده است.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مفروض‌های طرح همچون عدم نیاز به آموزش زبان انگلیسی برای هنرآموزان فنی و حرفه‌ای و عملکرد بهتر آموزشگاه‌های آزاد نسبت به مدارس فاقد پشته پڑوهشی است. عنوان طرح دال بر رفع انحصار از زبان انگلیسی دارد، اما متن طرح در پی ارجاع آموزش زبان‌های خارجی از مدارس به آموزشگاه‌های آزاد است، از این رو طرح، هدف مقنن از رفع انحصار زبان انگلیسی و تنوع بخشی به آموزش زبان‌های خارجی و تحقق مطالبات رهبری را تأمین نمی‌کند. نتیجه این طرح، رشد بی‌رویه مؤسسات آموزش‌های زبان خارجی، کژکارکردهای احتمالی تربیتی و پرورشی، کاهش عدالت آموزشی از حیث عدم امکان دسترسی دانش‌آموزان مناطق محروم، برون سپاری بخشی از نظام آموزش و پرورش رسمی به بخش خصوصی و امکان ایجاد چالش‌های امنیتی از حیث ورود کنسرسیوم‌های خارجی به نظام آموزشی کشور می‌باشد.

افزون بر این، اجرای طرح مذکور باعث پرداخت بخشی از هزینه‌های آموزش و پرورش توسط والدین و تعمیق شکاف آموزشی میان مناطق برخوردار و کم‌برخوردار خواهد شد و از این رو طرح مغایر اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی است.

در حال حاضر، براساس سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ارائه آموزش زبان انگلیسی در مدارس به صورت انتخابی (نیمه تجویزی) می‌باشد و امکان ارائه زبان‌های خارجی فرانسه، آلمانی، اسپانیولی، ایتالیایی و روسی نیز وجود دارد.

بنابراین با توجه به اشکالات فوق، رد کلیات طرح «رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزشی همگانی کشور» پیشنهاد می‌شود و با تأکید بر ضرورت ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی از جمله زبان روسی، آلمانی، فرانسه، ایتالیایی، اسپانیولی و چینی راهکارهایی در این خصوص در متن گزارش ارائه شده است.

مقدمه

طرح «رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزشی همگانی کشور» با ۶ ماده و ۱۰ تبصره در پی فراهم ساختن زمینه آموزش زبان‌های مهم بین‌المللی و بهره‌مندی از زبان‌های غیرانگلیسی در نظام آموزش همگانی است.

جهت‌گیری و رویکرد طراحان طرح در مقدمه توجیهی به تفصیل بیان شده است. برپایه مقدمه مذکور، ایجاد تنوع در نظام آموزش زبان‌های خارجی و رفع انحصار از آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش و پرورش همگانی از دغدغه‌های مقام معظم رهبری است. افزون بر این، مفروضه‌های طرح که در مقدمه توجیهی آمده، عبارتند از:

- انحصار آموزش زبان انگلیسی در آموزش و پرورش همگانی،
 - عدم ضرورت تعلیم زبان خارجی به دانش‌آموزانی که به هر دلیل به تحصیلات دانشگاهی نخواهند پرداخت،
 - افت تحصیلی دانش‌آموزان به سبب آموزش زبان انگلیسی،
 - عدم نیاز هنرآموزان فنی‌وحرفه‌ای و کارودانش به آموزش زبان انگلیسی،
 - کمتر بودن موفقیت مدارس در آموزش زبان خارجی نسبت به آموزشگاه‌های آزاد.
- از آنجایی که ضرورت ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی در نظام آموزش و پرورش دغدغه‌ای است که در اوایل سال ۱۳۹۵ از سوی مقام معظم رهبری نیز مورد تأکید قرار گرفت، در ادامه و پیش از ارزیابی و بررسی مواد طرح، نگاهی به متن رهنمودها و مطالبات مقام معظم رهبری در این باره انداخته می‌شود:

رهنمودها و مطالبات مقام معظم رهبری درخصوص تنوع آموزش زبان خارجی در مدارس

«این اصرار بر ترویج زبان انگلیسی در کشور ما یک کار ناسالم است. بله، زبان خارجی را باید بلد بود اما زبان خارجی که فقط انگلیسی نیست، زبان علم که فقط انگلیسی نیست. چرا زبان‌های دیگر را در مدارس به‌عنوان درس زبان معین نمی‌کنند؟ چه اصراری است؟ ... [مثلاً] زبان اسپانیولی؛ امروز کسانی که به زبان اسپانیولی حرف می‌زنند کمتر از کسانی نیستند که به زبان انگلیسی حرف می‌زنند؛ ... چرا زبان فرانسه یا زبان آلمانی تعلیم داده نمی‌شود؟ زبان‌های کشورهای پیشرفته شرقی هم زبان بیگانه است، اینها هم زبان علم است. ... ما حالا از پاپ



کاتولیک‌تر شده‌ایم! آمده‌ایم میدان را باز کرده‌ایم و علاوه بر اینکه این زبان را کرده‌ایم زبان خارجی انحصاری مدارسمان، مدام داریم می‌آوریمش [در مقاطع] پایین؛ ... [البته] نمی‌گوییم که فردا برویم زبان انگلیسی را در مدارس تعطیل کنیم؛ نه، حرف من این نیست؛ حرف این است که بدانیم چه کار داریم می‌کنیم؛ بدانیم طرف می‌خواهد چگونه نسلی در این کشور پرورش بیابد، و با چه خصوصیاتِی». (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۱۲/۱۳)

از بیانات مقام معظم رهبری محورهای ذیل استنباط می‌شود:

- لزوم یادگیری زبان خارجی،
 - لزوم تنوع در آموزش زبان‌های خارجی در مدارس،
 - محدود نبودن زبان علم به زبان انگلیسی و تعمیم آن به سایر زبان‌ها همچون اسپانیولی، فرانسه، آلمانی و زبان کشورهای پیشرفته شرقی.
- بنابراین در گزارش پیش رو برپایه دو موضوع مهم تحقق تنوع در آموزش زبان‌های خارجی مورد تأکید رهبری و نیز مفروضه‌های طرح، کلیات و جزئیات آن از حیث حقوقی و کارشناسی بررسی می‌شود.

ارزیابی طرح

الف) مقدمه توجیهی (مفروضه‌های طرح)

همان‌گونه که در مقدمه نیز بیان شد، طرح مورد بحث پنج مفروضه اصلی دارد که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود:

۱. انحصار آموزش زبان انگلیسی در آموزش و پرورش همگانی

برپایه این مفروضه که در عنوان طرح نیز آمده است، آموزش زبان‌های خارجی در نظام آموزش همگانی در انحصار زبان انگلیسی است. اگرچه در بررسی ماده نخست طرح، به این موضوع به تفصیل پرداخته خواهد شد، اما اجمالاً اشاره می‌شود که براساس راهکار ۵-۱- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و حوزه تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی سند برنامه درسی ملی، آموزش زبان‌های خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) ارائه می‌شود. مضافاً اینکه دو مصوبه ۵۶۳ و ۶۷۸ شورای عالی آموزش و پرورش نیز امکان آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی را در مدارس فراهم کرده است. البته شایان ذکر است که به دلایلی امکان اجرایی شدن آموزش سایر زبان‌ها فراهم نشده است.

۲. عدم ضرورت تعلیم زبان خارجی به دانش‌آموزانی که به هر دلیل به تحصیلات دانشگاهی نخواهند پرداخت

اساس این مفروضه آن است که نظام آموزش و پرورش عمومی به‌عنوان تابعی از نظام آموزش عالی در نظر

گرفته شده است، بنابراین دروسی در برنامه درسی دانش‌آموزان توجیه دارند که در نظام آموزش عالی نیز ادامه داشته باشند. این درحالی است که نظام آموزش و پرورش عمومی اگرچه در طول نظام آموزش عالی قرار گرفته است، اما این امر به معنای تبعیت و نداشتن اصالت نیست، بلکه اساساً نظام آموزش و پرورش عمومی مستقل از نظام آموزش عالی دارای کارکردهای مهمی همچون جامعه‌پذیری افراد، نهادینه کردن ارزش‌ها و باورها، آماده کردن افراد برای ورود به عرصه زندگی و... است. حوزه آموزش زبان‌های خارجی نیز به عنوان بخشی از برنامه درسی نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی در تحقق این کارکردها نقش مهمی برعهده دارد.

درخصوص ضرورت و کارکرد زبان‌های خارجی در نظام آموزش و پرورش در برنامه درسی ملی چنین آمده است: «از آنجا که مراودات اجتماعی تحت تأثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می‌کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه ضروری است دانش‌آموزان ... توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقه و جهانی دارا باشند. آموزش زبان خارجی علاوه بر کارکرد ارتباط میان‌فردی و بین فرهنگی، در توسعه اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فناوری، توسعه علم و هوشیاری اجتماعی سیاسی مؤثر است» (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۳۷).

گره زدن ضرورت برنامه درسی در دوره آموزش عمومی به ادامه تحصیلات دانشگاهی پیامدهای نامطلوبی نیز دارد، از جمله آنکه موجودیت سایر دروس در صورت عدم ادامه تحصیل دانش‌آموز در مقطع آموزش عالی نیز به خطر می‌افتد. برای مثال همین مفروضه نادرست طرح را می‌توان در مورد زبان عربی نیز به کار برد و چنین بیان کرد که افرادی که قصد ادامه تحصیل دانشگاهی ندارند از آموزش زبان عربی بی‌نیازند. این درحالی است که آموزش زبان عربی در نظام آموزش و پرورش عمومی دارای کارکردهای مهمی همچون فراهم ساختن امکان ارتباط مستقیم با کتاب الهی، بهره‌گیری از معارف اهل بیت (ع) و فرهنگی غنی اسلام و فهم زبان و ادبیات فارسی می‌باشد. پرواضح است که ضرورت هیچکدام از این کارکردها را نمی‌توان به ادامه تحصیل دانشگاهی گره زد.

نکته دیگر اینکه در صورتی که «آماده شدن فرد برای زندگی در اجتماع» را از اهداف مهم آموزش و پرورش بدانیم و از آنجایی که یکی از مهارت‌های زندگی در جامعه امروزی یادگیری زبان خارجی است، دلیل توجیهی طراحان مبنی بر اینکه آموزش زبان خارجی برای دانش‌آموزانی که به هر دلیل قصد ادامه تحصیل ندارند و به‌ویژه می‌خواهند وارد بازار کار شوند، دلیل قابل اتکایی نیست. زیرا با هدف آموزش و پرورش که آماده شدن فرد برای زندگی در اجتماع است، همخوانی ندارد.

۳. افت تحصیلی دانش‌آموزان به سبب آموزش زبان خارجی

برپایه این مفروضه، آموزش زبان انگلیسی باعث افت تحصیلی دانش‌آموزانی خواهد شد که تمایل به ادامه



تحصیل در دانشگاه ندارند. در این باره باید گفت که تاکنون پژوهشی رابطه میان آموزش زبان انگلیسی و افت تحصیلی را در دانش‌آموزان اثبات نکرده است، بلکه فراتر از این، تاکنون این موضوع محل پرسش پژوهشی واقع نشده است.

۴. عدم نیاز هنرآموزان فنی و حرفه‌ای و کارودانش به آموزش زبان خارجی

این مفروضه فاقد استدلال آموزشی و تربیتی است، زیرا هنرآموزان فنی و حرفه‌ای و کارودانش از یک سو به عنوان بخشی از متربیان آموزش و پرورش عمومی باید براساس ساحت‌های شش‌گانه نظام تعلیم و تربیت، تربیت یابند و شایستگی‌های لازم در راستای شکل‌گیری و اعتلای مداوم جامعه اسلامی و درک و اصلاح مداوم موقعیت خود و دیگران را براساس نظام معیار اسلامی کسب کنند. (سند تحول بنیادین، فصل اول، کلیات)، که به طور قطع، بخشی از این ویژگی‌ها و شایستگی‌ها در حوزه تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی تعبیه شده است.

از دیگر سو، هنرآموزان رشته‌های مهارتی با توجه به آمیختگی فناوری‌ها و تجهیزات پیشرفته و به روز این حوزه با زبان‌های خارجی، نیازمند یادگیری زبان‌های خارجی حداقل در سطح آموزش عمومی می‌باشند.

۵. کمتر بودن موفقیت مدارس در آموزش زبان خارجی نسبت به آموزشگاه‌های آزاد

برپایه این مفروضه، مدارس در امر آموزش زبان خارجی نسبت به آموزشگاه‌های آزاد از موفقیت کمتری برخوردارند، بنابراین باید امر آموزش تمامی زبان‌های انگلیسی و غیرانگلیسی از محیط مدرسه خارج شده و از طریق آموزشگاه‌های آزاد صورت گیرد.

در این باره می‌توان به چند نکته اشاره کرد؛ نخست، ارجاع به عملکرد ضعیف آموزش و پرورش در آموزش زبان انگلیسی منطقاً به تأیید عملکرد آموزشگاه‌های آزاد نمی‌انجامد. دوم، اگر یکی از مسائل طرح، عملکرد ضعیف آموزش و پرورش در آموزش زبان انگلیسی است، چنین طرحی رافع این مشکل نخواهد بود. سوم، این استدلال را که آموزش زبان در مدارس ضعیف است پس آن را به آموزشگاه‌های آزاد واگذار کنیم، می‌توان به سایر برنامه‌های درسی وزارت آموزش و پرورش تعمیم داد. برای مثال: آموزش زبان عربی، ریاضی، علوم تجربی، خواندن و نوشتن، ورزش، هنر و دروس فنی و مهارتی نیز برپایه چنین استدلالی می‌توانند برون‌سپاری شوند. نکته آخر اینکه افت کیفیت آموزشی در وزارت آموزش و پرورش فقط منحصر به آموزش زبان خارجی نیست و درخصوص زبان فارسی نیز وضع به همین گونه است. یافته‌های مطالعه پرلز ۲۰۱۶ (پیشرفت سواد خواندن دوره ابتدایی) درخصوص سقوط نسبتاً شدید عملکرد دانش‌آموزان ایران نسبت به دوره‌های قبل مؤید این امر است (کبیری و دیگران، ۱۳۹۶: ۴). برای حل مسئله افت کیفیت آموزش که البته منحصر به زبان خارجی نیست، ابتدا باید آسیب‌شناسی نظام

آموزش و پرورش صورت پذیرد، عوامل و چالش‌های آن مشخص شود و متناسب با آنها، راه‌حل‌هایی معطوف به نظام آموزش و پرورش ارائه شود، نه آنکه صورت مسئله پاک شود و آموزش به مؤسسات آزاد سپرده شد.

نکته دیگر آنکه امکانات، تجهیزات، ساعات درسی و فواصل میان آنها، سن ورود و انگیزه فراگیران درخصوص آموزش زبان خارجی در مدارس و آموزشگاه‌های آزاد قابل مقایسه نیست و ازسوی دیگر، مدارس متولی آموزش و پرورش رسمی با همه ملاحظات حاکمیتی آن بوده، اما آموزشگاه‌های آزاد تنها بر حوزه آموزش علمی متمرکز شده و در این‌باره به سبب عدم نظارت کافی می‌توانند چالش‌های تربیتی برای نسل‌های جدید نیز به‌همراه داشته باشند.

در پایان باید به موضوع اشاره شود که مفروضه مورد بحث درخصوص عملکرد بهتر آموزشگاه‌های آزاد نسبت به مدارس، فاقد پشتوانه پژوهشی است و صرفاً با درنظر گرفتن عملکرد تعدادی از آموزشگاه‌های آزاد نمی‌توان آن را تعمیم داد.

ب) عنوان طرح

درخصوص عنوان طرح «رفع انحصار در نظام آموزش همگانی کشور» چند نکته قابل طرح است: نخست، عبارت «نظام آموزش»؛ مبهم است. مفهوم «نظام آموزش و پرورش» چنین تعریف شده است: «الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه که وظایف شکوفاسازی استعدادها، توسعه و انتقال فرهنگ، پرورش همه‌جانبه فرد و تربیت منابع انسانی ماهر و متخصص کشور را برعهده دارند» (عابدینی، ۱۳۹۳: ۶۵۸). بنابراین مفهوم «نظام» اشاره به یکپارچگی اهداف، برنامه‌ها و خط‌مشی‌های آموزش در کشور دارد و وجه سیستمی آموزش را بیش از هرچیز برجسته می‌کند. مستفاد از این تعریف، «نظام آموزش» اعم از ساختار اداری وزارت آموزش و پرورش است و سایر خُرده‌نظام‌های آموزشی را نیز دربر می‌گیرد.

این درحالی است که طرح مورد بحث معطوف به آموزش زبان خارجی انگلیسی در سازمان اداری وزارت آموزش و پرورش است و به سایر خُرده‌نظام‌های آموزشی نپرداخته است.

دوم، درخصوص عبارت «رفع انحصار» در بخش بررسی مفروضه‌های طرح، به این ابهام پاسخ داده شد که آموزش زبان خارجی در وزارت آموزش و پرورش براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند برنامه درسی ملی و مصوبه شماره ۵۶۳ و ۶۷۸ شورای عالی آموزش و پرورش، انتخابی (نیمه‌تجویزی) است و انحصاری در این باره در اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش به‌چشم نمی‌خورد، اگرچه فارغ از حوزه سیاستی، امکانات اجرایی شدن تنوع آموزشی در این خصوص فراهم نشده است.



سوم، مفهوم «نظام آموزش همگانی کشور» از جهت دایره مصادیق به صورت صد درصدی منطبق با وزارت آموزش و پرورش نیست و تنها در برخی مصادیق با یکدیگر همپوشانی دارند. زیرا از یک سو نظام آموزشی اعم از وزارت آموزش و پرورش است و از سوی دیگر، آموزش و پرورش همگانی یا آموزش و پرورش عمومی «نوعی از آموزش است که در دوره‌های پیش‌دبستانی، ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و همچنین دوره‌های سوادآموزی برای توسعه مهارت‌های عددی و ارتباطی به فراگیران ارائه می‌شود. به عبارت دیگر؛ بخشی از جریان تربیت است که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته است... و به لحاظ اینکه منجر به کسب مهارت تخصصی نمی‌شود عمومی تلقی می‌شود». (عابدینی، ۱۳۹۳: ۲۷)

بنابراین نظام آموزش همگانی از جهت شمول، دوره متوسطه دوم را (که در متن طرح مورد اشاره واقع شده است) دربر نمی‌گیرد و معطوف به قبل از آن است.

نتیجه آنکه با توجه به نکات مطرح شده درخصوص مفهوم «نظام آموزش»، «رفع انحصار» و «نظام آموزش همگانی» عنوان از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار نیست.

ج) مواد طرح

ماده (۱) - براساس این ماده، آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی کشور جنبه اختیاری خواهد داشت و آموزش و پرورش مکلف است امکان آموزش سایر زبان‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای را به صورت اختیاری فراهم کند.

۱. درخصوص انتخابی یا اختیاری بودن آموزش زبان خارجی انگلیسی در برنامه درسی وزارت آموزش و پرورش، افزون بر تأکید سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، شورای عالی آموزش و پرورش تاکنون دو مصوبه درخصوص تنوع در آموزش‌های زبانی تصویب کرده است که عبارتند از:

- مصوبه شماره ۵۶۳ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۷۲/۸/۲۷ با عنوان «زبان‌های خارجی مورد تدریس در دوره متوسطه». براساس این مصوبه، زبان‌های خارجی مورد تدریس در آموزش و پرورش عبارتند از: انگلیسی، آلمانی و فرانسه. نکته دیگر آنکه در همین مصوبه به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مأموریت داده شده تا براساس تحقیقات، زبان‌های جدید را جهت تدریس به دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش پیشنهاد دهد.

- مصوبه شماره ۶۷۸ شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۱/۷/۲ با عنوان «آموزش زبان‌های خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی». در این مصوبه، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مکلف به فراهم کردن مواد درسی برای زبان‌های خارجی شده است. مهم‌تر آنکه براساس همین مصوبه، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند در مناطقی که امکان تشکیل کلاس‌ها برای زبان‌های مذکور باشد نسبت به تشکیل کلاس و برگزاری امتحان اقدام نماید.

بنابراین درخصوص ایجاد تنوع زبانی که از اهداف طرح است، نه تنها از جهت سیاستگذاری مانعی پیش‌روی آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی وجود ندارد، بلکه شورای عالی آموزش و پرورش نیز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را مکلف به فراهم کردن محتوی درسی برای آموزش زبان‌های پنج‌گانه مذکور نموده است و لذا خلأ تقنین با سیاست در این باره وجود ندارد.

۲. عبارت «سایر زبان‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای» مبهم بوده و مصادیق آن مشخص نیست، مضافاً آنکه مرجعی برای تعیین این مصادیق نیز مشخص نشده است.

۳. تبصره ذیل این ماده، کسب مهارت مکفی در یکی از زبان‌ها را برای دانش‌آموزان نظری لازم دانسته است. این درحالی است که عبارت «مهارت مکفی» ابهام دارد، سنجش‌پذیر نیست و تعریفی عملیاتی برای آن مشخص نشده است.

ماده (۲) - براساس این ماده، دانشگاه‌های کشور با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط می‌توانند نسبت به عقد تفاهمنامه میان دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، انجمن‌های علمی و فرهنگی، نهادهای دولتی و مدنی یا کنسرسیومی از آنها در کشورهایی که آموزش زبان‌شان در ایران دارای اولویت است، اقدام نمایند.

۱. متولی نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی وزارت آموزش و پرورش است و تصویب و اجرای برنامه درسی رسمی در مدارس نیز برعهده این وزارتخانه است. ازهمین‌رو ورود وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دانشگاه‌ها) به حوزه وظایف وزارت آموزش و پرورش این دو وزارتخانه را دچار تداخل کارکردی خواهد کرد. بنابراین ماده (۲) این طرح به سبب ایجاد نظام اداری ناصحیح مغایر بند «۱۰» اصل سوم قانون اساسی می‌باشد.

۲. عبارت «دستگاه‌های ذی‌ربط» ابهام دارد و مصادیق آن مشخص نشده است.

۳. نکته حائز اهمیت است که «انجمن‌های علمی و فرهنگی، نهادهای دولتی و مدنی یا کنسرسیومی از آنها» در خارج از کشور، طیف بسیار پُر تعداد و متنوعی دارد که حدود و ثغور آن در طرح مشخص نیست، مضافاً آنکه برخی از کشورها برنامه‌های مداخله‌جویانه و تهاجمی خود را در قالب تعاملات فرهنگی از مجرای همین انجمن‌ها، نهادهای مدنی و کنسرسیومی به اجرا می‌گذارند. بنابراین اجرای این ماده پیامدهای امنیتی، فرهنگی برای نظام آموزشی و جامعه در پی خواهد داشت.

تبصره «۱» ماده (۲) - براساس تبصره «۱» این ماده میزان ارائه خدمات آموزش همگانی درخصوص هر زبان، متناسب با مشارکتی خواهد بود که کشور طرف تفاهم تقبل خواهد کرد. ذیل این تبصره چند نکته قابل طرح است.

نخست، هیچ تضمینی جهت مشارکت طرف تفاهم در برنامه آموزش زبان خارجی در متن تبصره وجود ندارد.



دوم، تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد اگرچه برخی کشورها برای ترویج زبان خود بورسیه‌هایی اعطا می‌کنند، اما این بورسیه‌ها محدود بوده و نمی‌توانند گستره آموزش عمومی کشورمان را پوشش دهند، حتی در سطح محدود نیز همه کشورها تمایل به اعطای بورسیه و تأمین هزینه‌های مالی ناشی از زبان‌آموزی ندارند.

سوم، براساس این تبصره و نیز تبصره «۲» ماده (۳) طرح مذکور، هزینه آموزش زبان خارجی برعهده خانواده‌هاست و تنها بخشی از هزینه برقراری دوره‌های آموزشی در مناطق محروم و کم‌هزینه دانش‌آموزان فاقد توان مالی از محل مشارکت کشورهای خارجی طرف تفاهم تقبل خواهد شد. این امر از یک‌سو گره زدن آموزش در مناطق محروم به امری نامعلوم و تضمین‌نشده است که قطعاً عدالت آموزشی را زیر سؤال خواهد برد و ازسوی دیگر، آموزش زبان خارجی به‌عنوان بخشی از برنامه درسی ملی و امر حاکمیتی، رایگان نخواهد بود و خانواده‌ها باید هزینه آن را پرداخت نمایند. از این جهت تبصره مذکور مغایر با بند «۳» اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی با موضوع تکلیف دولت به ارائه آموزش و پرورش رایگان برای همه آحاد مردم است.

تبصره «۲» ماده (۲) - مطابق این تبصره دانشگاه‌ها مکلف هستند که ۶۰ درصد از بورسیه‌های تعهدشده ازسوی طرف خارجی را به معلمان زبان انگلیسی اختصاص دهند. در این باره نکته اساسی، اینکه در ماده (۱) از بورسیه‌ای نامعلوم و تضمین‌نشده سخن به میان آمده که بسیار محل تردید و تقریباً ناشدنی است و در ادامه در متن سایر مواد و تبصره‌ها، تکالیف بسیاری همچون پرداخت هزینه دوره‌های آموزشی زبان در مناطق محروم، هزینه دانش‌آموزان فاقد توان مالی و هزینه تحصیل معلمان متقاضی اخذ مدرک دانشگاهی در سایر زبان‌های خارجی را به این بورسیه نامعلوم و تضمین نشده منوط شده است.

ماده (۳) - براساس این ماده وزارت آموزش و پرورش مکلف است زبان‌های خارجی را صرفاً از طریق آموزشگاه‌های آزاد تحت نظارت خود و حداکثر معادل سه سال منحصراً برای دانش‌آموزان مقطع دبیرستان ارائه کند.

۱. پیش‌تر گفته شد اینکه آموزش زبان در مدارس ناموفق است دلیلی بر عملکرد بهتر آموزشگاه‌های آزاد نخواهد بود، زیرا این دو از جهت نیروی انسانی، محتوای یادگیری، تعداد ساعات درسی، فواصل ساعات درسی و سن شروع یادگیری متفاوت می‌باشند.

۲. واگذاری حجم بزرگی از وظایف و مأموریت‌های وزارت آموزش و پرورش به آموزشگاه‌های آزاد زمینه سوءاستفاده‌ها در صدور مجوز و ایجاد رانت را به‌وجود خواهد آورد.

۳. محدود کردن سنوات ارائه آموزش زبان به سه سال دبیرستان، فاقد منطق کارشناسی است، زیرا از یک‌سو آموزش زبان به‌عنوان بخشی از برنامه درسی ملی، کارکردهای مهمی برای آموزش و پرورش عمومی (تا پایان متوسطه اول) برعهده دارد و به همین جهت نمی‌توان این درس را از آموزش و پرورش

عمومی حذف کرد و تنها آن را به دوره متوسطه دوم اختصاص داد. نکته دوم آنکه درحالی که دانش‌آموزان با صرف ۶ سال قادر به یادگیری یک زبان خارجی نیستند چگونه می‌توان انتظار داشت با حداکثر سه سال و حداقل یک سال و نیم یک زبان خارجی را فراگیرند؟!

گفتنی است که ترکیب «مقطع دبیرستان» مذکور در متن ماده (۳)، در نظام آموزش و پرورش فعلی، مصداقی ندارد و معادل آن، «دوره متوسطه دوم» می‌باشد.

تبصره «۱» ماده (۳). طبق این تبصره، آموزشگاه‌های آزاد در مورد روش‌های آموزش، امتحانات، نمرات و طول مدت تحصیل و امثالهم استقلال عمل دارند و وزارت آموزش و پرورش ضمن اعمال نظارت حاکمیتی و تعیین سطوح قیمتی فقط مجاز به برگزاری یک آزمون نهایی در سال آخر دوره دبیرستان خواهد بود.

۱. وزارت آموزش و پرورش به دلیل تنوع و تعدد وظایف و مسائل مبتلابه سال‌هاست که نتوانسته به‌درستی بر مؤسسات، آموزشگاه‌های آزاد و مدارس غیردولتی اعمال نظارت داشته باشد. بنابراین به‌صورت منطقی با اضافه شدن وظایف و مأموریت‌های محوله به این آموزشگاه‌ها، وزارتخانه مذکور در نظارت بر عملکرد آنها دچار چالش‌های جدیدی خواهد شد.

۲. درخصوص آموزش زبان، همه عناصر از جمله طول سال تحصیلی، روش آموزش و تلویحاً محتوی درسی به آموزشگاه‌ها سپرده شده و کارکرد وزارت آموزش و پرورش محدود به اعمال نظارت حاکمیتی و تعیین قیمت است. این درحالی است که از منظر ضرورت و کارکرد، قلمرو حوزه یادگیری و جهت‌گیری‌های کلی در ساماندهی محتوای درسی زبان‌های خارجی میان وزارت آموزش و پرورش و آموزشگاه‌های آزاد تفاوت وجود دارد، چه‌بسا سمت‌وسوی محتوی آموزشگاه‌ها متناسب با سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی نباشد.

۳. آزمون و سنجش پایانی اساساً بخشی از فرایند یادگیری است که به‌صورت پیوستار براساس برنامه درسی قصدشده صورت می‌پذیرد. بنابراین در حالتی که بخش‌های پیشین فرایند یادگیری در آموزشگاه‌ها برنامه‌ریزی و اجرا شود، وزارت آموزش و پرورش با هیچ منطقی نمی‌تواند برپایه برنامه درسی خود، عهده‌دار آزمون نهایی شود.

۴. درخصوص تعیین سطوح قیمتی خدمات آموزشی ارائه شده در آموزشگاه‌ها توسط وزارت آموزش و پرورش و نظارت بر آن، باید به تجربه تدوین الگوی تعیین شهریه مدارس غیردولتی توسط وزارت آموزش و پرورش اشاره کرد. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که علی‌رغم تدوین الگوی تعیین شهریه توسط این وزارتخانه، همچنان تخلفات زیادی در اخذ شهریه در مدارس غیردولتی رخ می‌دهد و ازسوی دیگر این الگو چنان تدوین شده که گاه شهریه برخی از مدارس غیردولتی (شهریه مصوب و غیرمصوب) به مبالغ هنگفتی می‌رسد و همین امر همواره اعتراض‌های بسیاری را در پی داشته است.



۵. بدیهی است فرهنگ عمومی، آموزش زبان خارجی در مدارس را امری حاکمیتی تلقی می‌کند و از این‌رو زمینه فرهنگی لازم برای پذیرش پرداخت شهریه برای این نوع خدمات وجود ندارد. مهم‌تر اینکه پرداخت هزینه برای بخشی از برنامه رسمی درسی توسط اولیا مغایرت با اصل سی‌ام قانون اساسی دارد. **تبصره «۳» ماده (۳) -** در مناطقی که معلم زبان غیرانگلیسی حضور ندارد از طریق برگزاری آزمون، افرادی انتخاب و صرفاً برای آموزش سطوح مقدماتی به آموزشگاه‌ها معرفی می‌شوند. تکمیل آموزش دانش‌آموزان در این شهرستان‌ها می‌تواند به صورت فشرده (حداقل معادل یک سال تحصیلی) و با استفاده از معلم مدعو و یا کشور طرف تفاهم صورت گیرد.

۱. در انتخاب معلمان زبان‌های غیرانگلیسی هیچ اشاره‌ای به سازوکار گزینش و مرجع تأیید صلاحیت‌های حرفه‌ای این افراد نشده است، این درحالی است که به کارگیری نیروی انسانی خارج از چارچوب‌های نظام آموزش و پرورش می‌تواند مخاطراتی آموزشی و تربیتی برای دانش‌آموزان و مسائل امنیتی و چالش‌های فرهنگی برای جامعه محلی به همراه داشته باشد. چه‌بسا اجرای پروژه نفوذ از این مسیر دور از ذهن نخواهد بود.

۲. طول دوره آموزشی برای دانش‌آموزانی که بنابر ادعای طرح، طی ۶ سال قادر به یادگیری زبان انگلیسی نشده‌اند به یکسال تقلیل یافته است.

۳. سپردن بخشی از نظام آموزش و پرورش رسمی کشور به کشورهای خارجی فاقد هرگونه ادله منطقی می‌باشد و با سیاست‌های فرهنگی - امنیتی کشور در تضاد است و مضافاً هیچ سازوکاری برای انتخاب و نظارت بر عملکرد آنها تعیین نشده است.

تبصره «۴» ماده (۳) - در مناطق دورافتاده و محروم، آموزش و پرورش می‌تواند با همکاری دانشگاه‌های مجری طرح نسبت به فراهم آوردن امکان آموزش فشرده (حداقل یک سال و نیم تحصیلی) با جلب حمایت ملی مذکور در تبصره «۱» ماده (۲) این قانون و منابع حاصل از برون‌سپاری آموزش زبان، اقدام نماید.

۱. ارائه خدمات آموزش و پرورش رسمی و عمومی به مناطق محروم و دورافتاده به عنوان یک امر حاکمیتی، در تبصره مذکور منوط به اعطای بورسیه از طرف کشورهای طرف تفاهم یا منابع حاصل از برون‌سپاری آموزش زبان شده است. تحقق این امر آنچنان که پیشتر توضیح داده شد، غیرقطعی و نامعلوم و تضمین نشده است.

۲. آموزش زبان که هم‌اکنون در نظام آموزش و پرورش طی ۶ سال ارائه می‌شود براساس این تبصره در مناطق محروم می‌تواند به صورت فشرده طی یک سال و نیم تحصیلی ارائه شود. این تقلیل مدت تحصیل به سبب کمبود امکانات و داشتن هزینه مالی در مناطق محروم، باعث افت کیفیت تحصیلی دانش‌آموزان این مناطق می‌شود که خود نوعی تبعیض آموزشی به شمار می‌رود و از این جهت مغایر بند

«۹» اصل سوم قانون اساسی با موضوع رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه می‌باشد. مضافاً آنکه همه دانش‌آموزان فاقد توان مالی و بی‌بضاعت لزوماً در مناطق محروم نیستند و بخشی از آنها در شهرهای برخوردار سکونت دارند.

۳. براساس ماده (۳) قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵ محدوده کلی وزارت آموزش و پرورش عبارت است از: آموزش عمومی و آموزش نیمه‌تخصصی. این درحالی است که براساس تبصره مذکور، مجری طرح مورد بحث دانشگاه‌ها می‌باشند و این امر منجر به تداخل کارکردی هر دو دستگاه خواهد شد و از همین رو طرح مغایر با بند «۱۰» اصل سوم قانون اساسی درخصوص ایجاد نظام اداری صحیح می‌باشد.

ماده (۵) - براساس این ماده، معلمان زبان انگلیسی که هم‌اکنون در استخدام وزارت آموزش و پرورش می‌باشند در حالات ذیل ساماندهی می‌شوند:

- ساعات موظف خود را در آموزشگاه‌های آزاد مشغول به تدریس می‌شوند.
- معلمان با سنوات خدمتی باقی‌مانده بیش از ۲۰ سال با استفاده از بورسیه تحصیلی کشور طرف تفاهم و استفاده از مأموریت تحصیلی، می‌تواند با ارائه مدرک مرتبط با زبان‌های خارجی غیرانگلیسی از مجرای بورسیه تحصیلی در آموزشگاه‌ها مشغول به تدریس شود.
- معلمان با سنوات خدمتی باقی‌مانده بیش از ۱۶ سال در صورت عدم تمایل جهت استفاده از بورسیه تحصیلی، می‌توانند از مأموریت تحصیلی برای رشته دانشگاهی زبان خارجی غیرانگلیسی استفاده کنند.
- معلمان با بیش از ۱۰ سال سابقه خدمتی در شرایط برابر با سایر معلمان برای تصدی پست مدیریت، معاونت مدارس و پست‌های اداری و مدیریتی ادارات آموزش و پرورش در اولویت خواهند بود. در این باره باید گفت:

۱. تقسیم معلمان زبان انگلیسی در سطوح مختلف براساس سوابق خدمتی آنها و ارائه پیشنهادها ویژه جهت ادامه خدمتشان فاقد پشتوانه کارشناسی می‌باشد. برای نمونه؛ جهت تصدی پست مدیریت یا معاونت مدرسه با چه منطقی معلم دارای ۱۰ سال سابقه تدریس بر سایر معلمان ترجیح داده شده است؟ یا با چه منطقی معلم با ۱۴ سال سابقه خدمتی جهت استفاده از بورسیه و مأموریت تحصیلی بر معلم با سابقه خدمتی ۱۰ سال اولویت دارد؟

۲. داشتن مدرک دانشگاهی زبان انگلیسی هیچ تناسبی با شرایط مورد نیاز جهت تصدی پست‌های مدیریت مدرسه، معاونت مدرسه و سایر پست‌های مدیریتی ادارات آموزش و پرورش ندارد که بتوان در شرایط برابر دارندگان این مدارک را بر دیگر کارکنان اولویت داد.

۳. آموزشگاه‌های آزاد، بخش غیردولتی و خصوصی آموزش و پرورش هستند که درخصوص تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود و براساس ضوابط و مقررات استقلال عمل دارند، بنابراین نمی‌توان آنها را



به پذیرش نیروی انسانی مازاد وزارت آموزش و پرورش مجبور کرد.

۴. رابطه مالی و استخدامی معلمان وزارت آموزش و پرورش که براساس این ماده در آموزشگاه‌های آزاد مشغول به تحصیل می‌باشند مبهم است. برای نمونه روشن نشده که کدام نهاد و براساس چه معیاری حقوق و مزایای این دست از معلمان را پرداخت خواهد کرد؟ به‌طور قطع نمی‌توان آموزشگاه‌های آزاد را مجبور کرد که براساس نظام پرداخت حقوق و مزایای وزارت آموزش و پرورش به این گروه از معلمان حقوق و دستمزد پرداخت کند.

۵. الزام وزارت آموزش و پرورش بر جابجایی معلمان زبان در پست‌های مدیریتی، ساماندهی نیروی انسانی را در این وزارتخانه مختل خواهد کرد.

تبصره «۱» ماده (۵) - با موضوع اعطای مجوز به معلمان زبان‌های خارجی در تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی؛ در این‌باره باید گفت مطابق مواد (۱)، (۵)، (۱۱) و... آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده (۳۸) قانون تأسیس مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند متقاضی و مؤسس مراکز آموزشی غیردولتی (آموزشگاه‌های آزاد) باشند و این امر هیچ‌گونه منعی ندارد. معلمان زبان خارجی نیز بدون هیچ منعی می‌توانند اقدام به تأسیس و اداره آموزشگاه زبان نمایند.

بررسی سازوکارهای عملیاتی ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی

پیش از هر چیز باید به این نکته اشاره کرد که اصولاً برای تدریس هر محتوی آموزشی در مدارس، اقداماتی در وزارت آموزش و پرورش انجام می‌گیرد تا زمینه تدریس محتوی آموزشی فراهم گردد. در ادامه، این مراحل با توجه به موضوع آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی بررسی می‌شوند:

۱. سیاستگذاری

سند تحول بنیادین در راهکار ۵-۱، آموزش زبان‌های خارجی را در چارچوب بخش انتخابی (نیمه‌تجویزی) برنامه درسی با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی مورد توجه قرار داده است. برنامه درسی ملی نیز در این خصوص چنین آورده است که؛ آموزش به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و یا سایر زبان‌هایی که شورای عالی آموزش و پرورش تصویب کند ارائه خواهد شد.

شورای عالی آموزش و پرورش در مصوبه ۵۶۳ مورخ ۱۳۷۲/۸/۲۷ با عنوان «زبان‌های خارجی مورد تدریس در دوره متوسطه» و مصوبه شماره ۶۷۸ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲ با عنوان «آموزش زبان‌های خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی» درخصوص تدریس زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در مدارس سیاستگذاری کرده است. براساس دو مصوبه پیش‌گفته شورای عالی آموزش و پرورش (شماره

۶۷۸ و ۵۶۳) مقرر شده است که زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی و روسی در مدارس تدریس شود. در شرایط حاضر این امکان سیاستی وجود دارد که هر یک از این پنج زبان به جای زبان انگلیسی و براساس علاقمندی دانش‌آموزان به آنها آموزش داده شود.

۲. تهیه محتوی درسی

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تا قبل از سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ (سال تصویب برنامه درسی ملی و تألیف کتاب‌های نونگاشت)، افزون بر زبان انگلیسی برای زبان‌های آلمانی و فرانسه در هر دو مقطع متوسطه اول و متوسطه دوم کتاب درسی داشته است. اما بعد از ابلاغ سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی برای دو زبان مذکور و نیز زبان اسپانیولی و روسی کتابی تألیف نشد و تألیف کتاب‌های درسی زبان‌های خارجی تنها به زبان انگلیسی محدود شد. این سازمان طی مکاتبه^۱ با مرکز پژوهش‌ها آمادگی خود را جهت تدوین برنامه درسی و تألیف کتاب‌های مناسب برای زبان‌های مذکور اعلام داشته است. معاونت متوسطه وزارت آموزش و پرورش^۲ نیز اعلام داشته است که درخصوص تهیه و تولید محتوی کتب درسی زبان‌های خارجی (غیرانگلیسی) با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نامه‌نگاری کرده است.

۳. تأمین نیروی انسانی

یکی از اقدامات مهم برای تدریس زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در مدارس، توجه به زیرساخت‌ها و استلزامات از جمله تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای آموزش و تربیت است. تاکنون وزارت آموزش و پرورش نیرویی را با تخصص آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی برای تدریس آن زبان‌ها استخدام نکرده است. اگرچه معلمان با رشته‌های تحصیلی مذکور در این وزارتخانه وجود دارند که در حال حاضر اغلب به تدریس زبان انگلیسی مشغول می‌باشند. نشانه این امر آن است که در وزارت آموزش و پرورش دوره‌های ضمن خدمت جهت بازآموزی دانش تخصصی رشته‌های زبان خارجی غیرانگلیسی برگزار نمی‌شود. بنابر اظهار نظر مسئولان وزارت آموزش و پرورش، این وزارتخانه با کمبود نیروی انسانی در این باره مواجه می‌باشد. اگرچه تعداد دقیق نیروی انسانی مورد نیاز بعد از انجام نیازسنجی امکانپذیر خواهد بود. نکته دیگر در این باره آن است که رشته دانشگاهی در زبان‌های مذکور نیز در دانشگاه فرهنگیان به عنوان مرجع اصلی تأمین نیروی انسانی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش وجود ندارد.

۱. مکاتبه شماره ۱۲۰/۱۰۲۸۴۷ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۴.

۲. مکاتبه شماره ۴۰۰/۱۰۰۲۹۲ مورخ ۱۳۹۸/۶/۹.



۴. تقاضای دانش‌آموزان و خانواده‌ها

براساس مصوبه شماره ۶۷۸ شورای عالی آموزش و پرورش به سال ۱۳۸۱^۱ درخصوص آموزش پنج زبان خارجی غیرانگلیسی، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند در مناطقی که امکان تشکیل کلاس برای زبان‌های مذکور باشد، نسبت به تشکیل کلاس و برگزاری امتحان اقدام کند. منطقاً افزون بر محتوی درسی و نیروی انسانی آموزش‌دیده، تقاضای دانش‌آموزان یکی از شرایط تشکیل این کلاس‌هاست.

بخش‌های مختلف وزارت آموزش و پرورش برآنند که دانش‌آموزان برای آموزش زبان‌های دیگر غیر از زبان انگلیسی علاقمندی نشان نداده‌اند و تقاضایی برای آموزش آنها موجود نیست. برای مثال؛ ترجیح اکثر دانش‌آموزان و والدین آنها، یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی است (پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش).^۲ طی سالیان گذشته دو زبان فرانسه و آلمانی در برخی مدارس کشور آموزش داده شده... البته به‌دلیل برخی مسائل مانند استقبال کم دانش‌آموزان از این دو زبان و همچنین کمبود دبیران تخصصی، دامنه تدریس گسترش چندانی نیافته است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی).^۳

۵. اجرای برنامه آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در مدارس

آنچه از ابتدای امر درخصوص آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در مدارس به ذهن می‌آید این است که در مدارس، زبان انگلیسی آموزش داده می‌شود و هیچ زبان خارجی دیگری در برنامه آموزشی مدارس جای ندارد. این نگاه تقریباً برپایه اظهارنظرهای بخش‌های ذی‌ربط وزارت آموزش و پرورش تقویت می‌شود. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیان داشته که آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در مدارس گسترش چندانی نیافته است. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش نیز در اظهارنظر خود آورده است که؛ چند سال پیش بسته آموزشی زبان آلمانی تألیف شد، ولی دانش‌آموزان استقبال چندانی از آن نکردند.^۴ آنچه گذشت توصیفی از حلقه‌ها و مراحل مهم در اجرای برنامه آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی بود که در نمودار ذیل به نمایش گذاشته می‌شوند:

۱. به‌منظور توسعه آموزش زبان‌های خارجی، آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی شورای عالی آموزش و پرورش مقرر می‌دارد:

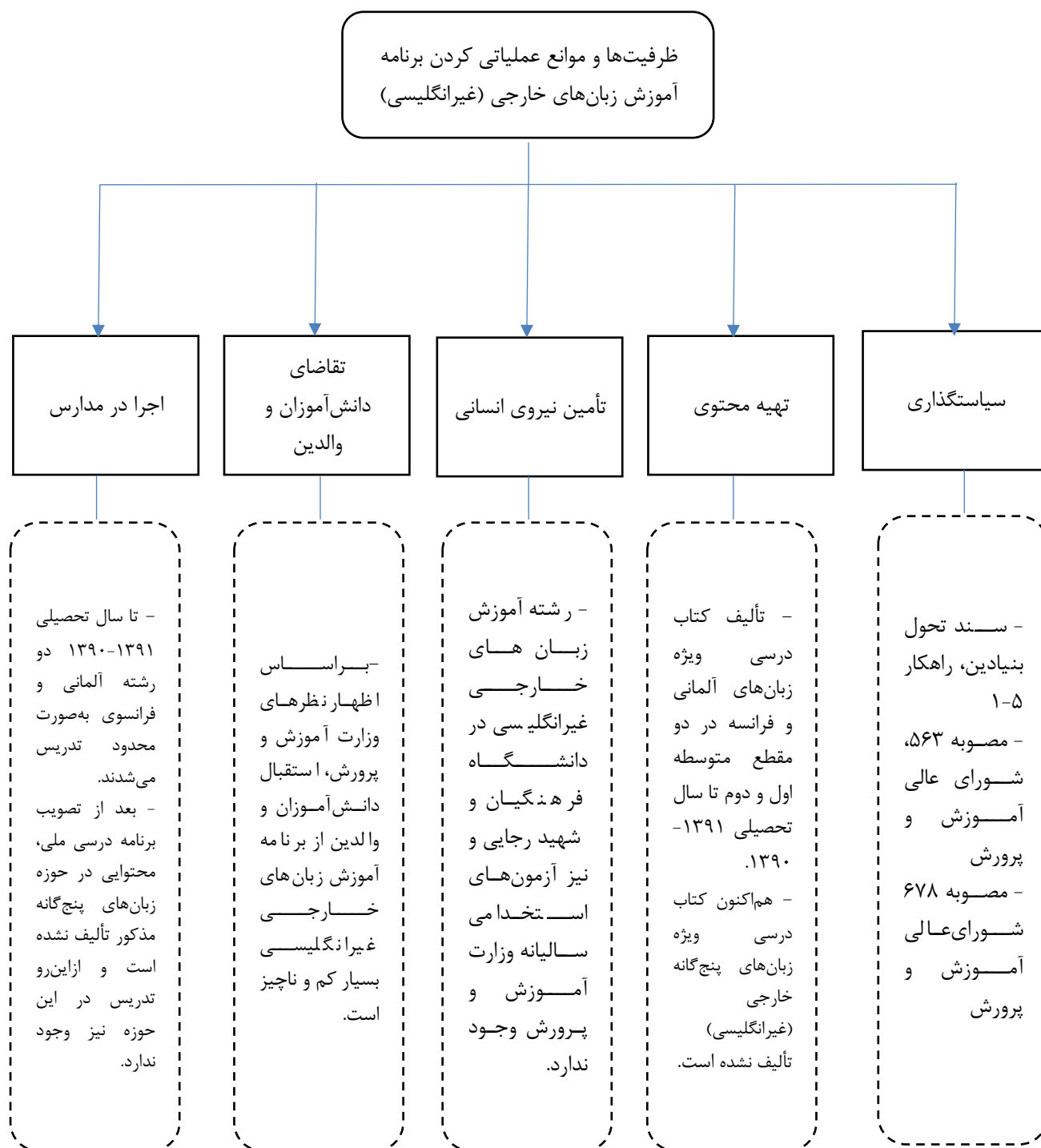
۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای زبان‌های خارجی مواد درسی لازم را فراهم نماید.
۲. وزارت آموزش و پرورش می‌تواند در مناطقی که امکان تشکیل کلاس برای زبان‌های مذکور باشد نسبت به تشکیل کلاس و برگزاری امتحان اقدام کند.

۳. امتحانات دروس مذکور برابر ضوابط و مقررات توسط وزارت آموزش و پرورش صورت می‌پذیرد.
تبصره - واگذاری اخذ امتحان دروس مذکور به مؤسسات واجد شرایط بلامانع است.

۲. مکاتبه شماره ۸۱۶۲، مورخ ۱۳۹۸/۶/۳.

۳. مکاتبه شماره ۱۰۱/۱/۷۰۴۲، مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۲.

۴. مکاتبه شماره ۸۱۶۲، مورخ ۱۳۹۸/۶/۳.



همان‌طور که از نمودار بالا در خصوص آموزش زبان‌های خارجی (غیرانگلیسی) مشخص است:
- از منظر سیاست‌گذاری تنوع آموزش زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در وزارت آموزش و پرورش، خلأیی وجود ندارد.

- محتوی درسی زبان‌های خارجی غیرانگلیسی تألیف نشده است.



- نیروی انسانی آموزش دیده ویژه زبان های خارجی وجود ندارد.
- تقاضای دانش آموزان و والدین درخصوص آموزش زبان های خارجی غیرانگلیسی کم و بسیار ناچیز است.
- درحال حاضر زبان های خارجی غیرانگلیسی در آموزش و پرورش تدریس نمی شوند.

خلاصه آنکه در این باره سه موضوع وجود دارد؛ نبود محتوی درسی، نبود نیروی انسانی

آموزش دیده و ناچیز بودن تقاضای دانش آموزان و والدین.

درخصوص اولویت دار بودن هرکدام از این سه موضوع، با دلایلی می توان اولویت را به حل موضوع سوم، یعنی ناچیز بودن تقاضای دانش آموزان و والدین نسبت داد و سپس برای حل آن راهکارهایی ارائه کرد. با این توضیح که مصوبه شماره ۶۷۸ شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۱ سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی را مکلف به فراهم کردن مواد درسی لازم برای زبان های خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی کرده است. بنابر اظهارنظر این سازمان، مواد درسی لازم برای دو زبان آلمانی و فرانسه تدوین شده بود، اما تدریس این دو زبان با عدم استقبال دانش آموزان مواجه شد. ازسوی دیگر، معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش بیان داشته که در صورت وجود تقاضا، موظف به فراهم کردن کلاس درس و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز می باشد، همین امر در مصوبه مذکور شورای عالی آموزش و پرورش نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین می توان تا حدودی مواد درسی و نیروی انسانی آموزش دیده را تابعی از میزان وجود تقاضای دانش آموزان و والدین دانست، زیرا در صورت وجود تقاضا برای آموزش هرکدام از زبان های خارجی مذکور، وزارت آموزش و پرورش موظف به تأمین نیروی انسانی و محتوی درسی می باشد.

بر این اساس برای ایجاد تنوع در برنامه آموزش زبان های خارجی و رفع انحصار از آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزش و پرورش لازم است راهکارها معطوف به حل موضوع نبود تقاضای دانش آموزان و والدین باشند، لذا در ادامه این مهم مورد بررسی قرار می گیرد.

پیشنهادهای عملیاتی

۱. آگاهی بخشی و اطلاع رسانی به دانش آموزان و والدین درخصوص امکان آموزش زبان های خارجی متنوع در وزارت آموزش و پرورش از طریق مدارس، مشاوران تحصیلی، سازمان صدا و سیما و...
۲. تدوین شیوه نامه آموزش زبان های خارجی (غیرانگلیسی) برای ابلاغ به ادارات کل آموزش و پرورش استان ها در راستای تعیین ضوابط اجرایی تدریس زبان های مذکور در مدارس و پیش ثبت نام از دانش آموزان.
۳. تشکیل گروه/کارگروه آموزشی زبان های خارجی غیرانگلیسی در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و معاونت آموزش متوسطه و تهیه محتوی درسی.

جمع‌بندی و پیشنهاد

- رهنمودهای مقام معظم رهبری درخصوص آموزش زبان‌های خارجی در مدارس، مفاد سند تحول بنیادین، حوزه تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی سند برنامه درسی ملی و آشنایی دانش‌آموزان با سایر زبان‌های علمی دلالت بر ضرورت آموزش زبان خارجی و لزوم تنوع در آموزش زبان‌های خارجی در مدارس دارد. با این حال طرح ارائه شده در پی ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی از طریق برون‌سپاری و واگذاری آموزش زبان‌ها به آموزشگاه‌های آزاد می‌باشد.

- آموزش زبان‌های خارجی در نظام آموزش و پرورش براساس اسناد و مصوبات این وزارتخانه نه تنها در انحصار زبان انگلیسی نمی‌باشد، بلکه براساس راهکار ۵-۱- سند تحول بنیادین و حوزه تربیت و یادگیری سند برنامه درسی ملی، آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه‌تجویزی) ارائه می‌شود و براساس مصوبه شماره ۵۶۳ و ۶۷۸ شورای عالی آموزش و پرورش امکان ارائه آموزش زبان‌های خارجی فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، روسی و اسپانیولی در مدارس وجود دارد و ارائه این دروس در مدارس منعی ندارد. هر چند، این مصوبات و اسناد تاکنون اجرا نشده‌اند.

- طرح دارای مفروضه‌هایی همچون عدم نیاز به زبان انگلیسی برای هنرآموزان فنی و حرفه‌ای و کسانی که تمایل به ادامه تحصیل دانشگاهی ندارند، افت تحصیلی دانش‌آموزان به سبب آموزش زبان انگلیسی و ضعف مدارس نسبت به آموزشگاه‌های آزاد در آموزش زبان انگلیسی می‌باشد. به نظر می‌رسد این مفروضه‌ها پشتوانه پژوهشی و کارشناسی نداشته و با بررسی‌های به عمل آمده نمی‌توان بر درستی آنها صحه گذاشت و از این حیث با مفاد بند «۹» سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری مغایرت دارد.

- طرح رفع انحصار با واگذاری آموزش زبان خارجی به آموزشگاه‌های آزاد، به رشد بی‌رویه این مؤسسات خواهد انجامید و مسیر خصوصی‌سازی نظام آموزش و پرورش رسمی را هموارتر خواهد کرد، این درحالی است که درخصوص کارکرد تربیتی و فرهنگی، هنجارها و ارزش‌های حاکمیتی و عملکرد مالی این مؤسسات ملاحظات وجود دارد، مضافاً آنکه امکان شکل‌گیری بازار سوداگرانه‌ای همچون کنکور نیز وجود دارد.

- اگر عملکرد مدارس در آموزش زبان انگلیسی ضعیف است نباید براساس این طرح، صورت مسئله پاک شود و این آموزش‌ها به مؤسسات آزاد سپرده شود، بلکه باید با کمترین آسیب در پی یافتن راه‌حل ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی بود، زیرا این ضعف در سایر دروس ازجمله خواندن، نوشتن، عربی، ریاضی، هنر، ورزش، دروس فنی و مهارتی و... نیز وجود دارد و نمی‌توان به بهانه ضعف عملکرد مدارس، این دروس را برون‌سپاری کرد.

- براساس این طرح، خانواده‌ها باید هزینه آموزش زبان خارجی را به مؤسسات و آموزشگاه‌های آزاد پرداخت نمایند، این درحالی است که آموزش زبان خارجی بخشی از برنامه رسمی درسی آموزش و پرورش است



که ارائه آن رایگان و وظیفه دولت است. بنابراین طرح مغایر با اصل سی‌ام قانون اساسی است.

- براساس طرح، دانش‌آموزان فاقد توان مالی در مناطق محروم و کم‌برخوردار می‌توانند از بورسیه موجود در طرح استفاده کنند و آموزش آنها می‌تواند به حداقل یک سال و نیم تقلیل یابد. باید گفت از یک‌سو تحقق بورسیه مذکور نامعلوم، غیرقطعی، تضمین‌نشده و تقریباً ناشدنی است و ازسوی دیگر تقلیل دوره آموزش ۶ ساله فعلی به یک سال و نیم برای مناطق محروم تبعیض به‌شمار می‌رود و ازاین‌رو طرح مغایر با بند «۹» اصل سوم قانون اساسی است. زیرا که این طرح سبب تعمیق شکاف آموزشی بین دانش‌آموزان ساکن در مناطق برخوردار و کم‌برخوردار خواهد شد. افزون‌بر این تشخیص دانش‌آموزان فاقد توان مالی، چالش جدی برای وزارت آموزش و پرورش خواهد بود.

- به‌نظر می‌رسد تقویت آموزش زبان خارجی یکی از اهداف طرح است، اما باید گفت که این هدف با طرح حاضر محقق نخواهد شد، زیرا نخست؛ امکان دسترسی همگانی به آموزشگاه‌های آزاد در همه مناطق وجود ندارد، دوم؛ طول دوره تحصیل از ۶ سال در برخی مناطق به یک سال و نیم تقلیل می‌یابد، سوم؛ به فرض تحقق ساحت علمی تعلیم و تربیت، در تحقق سایر ساحت‌های پنج‌گانه تعلیم و تربیت همچون ساحت اعتقادی و عبادی، اجتماعی و سیاسی، زیبایی‌شناختی و هنری در آموزشگاه‌ها و مؤسساتی که نظارت کافی بر محتوی و عملکرد آنها وجود ندارد، تردید جدی وجود دارد.

- ورود دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، انجمن‌های علمی و فرهنگی، نهادهای دولتی و مدنی یا کنسرسیومی از کشورهای خارجی به حوزه آموزش و پرورش عمومی به‌عنوان امر حاکمیتی، چالش‌های امنیتی، تربیتی و فرهنگی را به‌دنبال خواهد داشت. مضافاً اینکه هیچ سازوکار اجرایی برای این امر در نظر گرفته نشده است.

- آموزش زبان خارجی به دانش‌آموزان به‌عنوان بخشی از برنامه درسی ملی از وظایف وزارت آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود، بنابراین ورود وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دانشگاه‌ها) به این حوزه به تداخل کارکردی دو دستگاه منجر می‌شود. ازاین‌رو طرح مذکور مغایر بند «۱۰» اصل سوم قانون اساسی می‌باشد.

- ایجاد رابطه مالی میان معلمان و آموزشگاه‌های آزاد از یک‌سو و سازمان خارجی بورسیه‌کننده ازسوی دیگر می‌تواند معلمان را به واسطه‌های بازاریابی برای این مؤسسات و سازمان‌های خارجی تبدیل کند و نکته مهم‌تر درخصوص سازمان‌های خارجی اینکه این سازمان‌ها می‌توانند از این رابطه مالی در جهت مقاصد امنیتی و فرهنگی خویش سوءاستفاده کنند.

- اجرای طرح با توجه به عدم نیاز به معلمان زبان انگلیسی در مدارس، امر ساماندهی نیروی انسانی در وزارت آموزش و پرورش را مختل خواهد کرد و نارضایتی عمومی در جامعه معلمان به‌وجود خواهد آورد.

- تحقق مطالبات مقام معظم رهبری درخصوص تنوع در آموزش زبان‌های خارجی در مدارس با توجه به مفاد سند تحول بنیادین، سند برنامه درسی ملی و دو مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش مبنی بر انتخابی بودن آموزش زبان انگلیسی و امکان آموزش سایر زبان‌های خارجی، نیاز به تقنین ندارد، بلکه می‌تبلد نمایندگان محترم مجلس بر اجرای سند تحول بنیادین و مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در این باره نظارت داشته باشند.

با توجه به موارد فوق پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به مغایرت‌های حقوقی، قانونی و نتایج ارزیابی کارشناسی طرح، رد کلیات آن پیشنهاد می‌شود و ضمن تأیید اصل ایجاد تنوع در آموزش زبان‌های خارجی در مدارس راهکار اجرایی ذیل ارائه می‌شود:

- با توجه به تأکید مقام معظم رهبری درخصوص آموزش زبان کشورهای پیشرفته شرقی از یک‌سو و افزایش تعاملات تجاری ایران با کشور چین، رشد اقتصادی روزافزون و جمعیت بالای این کشور ازسوی دیگر، پیشنهاد می‌شود شورای عالی آموزش و پرورش امکان آموزش زبان چینی در مدارس را در کنار سایر زبان‌های پنج‌گانه غیرانگلیسی مصرح در مصوبه شماره ۶۷۸، به تصویب رساند.

- با توجه به وجود دو مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش درخصوص آموزش زبان‌هایی پنج‌گانه غیرانگلیسی در مدارس، جهت اجرایی نمودن آن، پیشنهاد می‌شود:

۱. آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان و والدین درخصوص امکان آموزش زبان‌های خارجی متنوع در وزارت آموزش و پرورش از طریق مدارس، مشاوران تحصیلی، سازمان صدا و سیما و...
۲. تدوین شیوه‌نامه اجرای برنامه آموزش زبان‌های خارجی (غیرانگلیسی) برای ابلاغ به ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها در راستای تعیین ضوابط اجرایی تدریس زبان‌های مذکور در مدارس و پیش‌ثبت‌نام از دانش‌آموزان.

۳. تشکیل گروه / کارگروه آموزشی زبان‌های خارجی غیرانگلیسی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و معاونت آموزش متوسطه.

۴. تهیه محتوی درسی ویژه زبان‌های خارجی (غیرانگلیسی) توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.



منابع و مآخذ

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۷/۶.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۵/۱۲/۱۳.
۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، آذرماه ۱۳۹۰.
۵. سند برنامه درسی ملی، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، اسفندماه ۱۳۹۱.
۶. مصوبه «زبان‌های خارجی مورد تدریس در دوره متوسطه» شماره ۵۶۳، شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۷۲/۸/۲۷.
۷. مصوبه، آموزش زبان‌های خارجی آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیولی و روسی» شماره ۶۷۸، شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۱/۷/۲.
۸. قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵.
۹. آیین‌نامه اجرایی ماده (۳۸) قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزش و پرورش غیردولتی.
۱۰. کبیری، مسعود و دیگران، (۱۳۹۶ش)، یافته‌های مطالعه پازل ۲۰۱۶، مرکز ملی مطالعات تیمز و پازل، تهران، مدرسه.
۱۱. عابدینی، احمد. واژه‌نامه تخصصی (ترمینولوژی) آموزش و پرورش، تهران، نشر سادس، ۱۳۹۳.
۱۲. مکاتبه پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش با مرکز پژوهش‌ها، شماره ۸۱۶۲، مورخ ۱۳۹۸/۶/۳.
۱۳. مکاتبه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با مرکز پژوهش‌ها، شماره ۱۰۱/۱/۷۰۴۲، مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۲.
۱۴. مکاتبه معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با مرکز پژوهش‌ها، شماره ۴۰۰/۱۰۰۳۹۲، مورخ ۱۳۹۸/۶/۹.
۱۵. مکاتبه شورای عالی آموزش و پرورش با مرکز پژوهش‌ها، شماره ۱۲۰/۱۰۲۸۴۷، مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۴.



شماره مسلسل: ۱۶۶۹۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح رفع انحصار از زبان انگلیسی در نظام آموزش همگانی»

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای)

تهیه و تدوین: موسی بیات

همکاران: فرحناز حسام، حسین نصیری

ناظران علمی: صادق ستاری فرد، سینا کلهر

اظهار نظر کننده: سیدعباس پرهیزگاری (دفتر مطالعات مالیه عمومی و توسعه مدیریت)

واژه‌های کلیدی:

۱. زبان‌های خارجی
۲. آموزش زبان
۳. زبان آلمانی
۴. زبان فرانسوی
۵. زبان اسپانیولی
۶. تنوع زبانی



تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۹۸/۷/۱۵

تاریخ پایان مطالعه: ۱۳۹۸/۸/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۸/۱۲